

## پیشگیری از بزه دیدگی زنان قربانی خشونت در خانواده با بررسی سیاست جنایی تقنینی ایران

● دکتر محمود مهدوی

(عضویت علمی دانشگاه تهران)

Mahmahavi46@ut.ac.ir

● سینارستمی

(دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی)

● هادی کربلایی

(دانشجوی کارشناسی ارشد)

● مینا دیبامهر

(دانشجوی کارشناسی ارشد)

## چکیده

خشونت علیه جنس زن در خانواده علی رغم آن که یکی از رایج ترین انواع خشونت علیه زنان است اما بنا به تقدس و حرمت حریم خانواده، اغلب پنهان می ماند. این نوع از خشونت مصادیق متعدد و متنوعی دارد و در ابعاد گوناگون، قربانیان را به کام خود می کشد. ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز در محیط خانواده ضمن وارد نمودن آسیب های جسمانی و روانی متعدد به بزه دیدگان مستقیم، تأثیرات نامطلوبی را بر روابط خانوادگی و شخصیت سایر اعضاء خانواده و نیز جامعه برجای می گذارد. بنابراین، شناسایی عوامل بروز چنین رفتارهایی برای پیشگیری از ارتکاب اولیه و ثانویه آنها ضروری است. در طیف وسیع علل، علل قانونی موثر بر بروز این رفتارها نقشی به سزا ایفا می کنند که در این خصوص مقررات مرتبط موجود در نظام حقوقی ایران بررسی می گردد. در همین راستا، بررسی قوانین و مقررات فوق در کنار انجام پژوهش های علت یاب و موضوع گرا سبب می گردد تا شکاف ها و خلأهای قانونی موجود آشکار شده و در نتیجه مسیر قانون گذاری برای پیشگیری و مبارزه با این قبیل رفتارها هموارتر و ارائه راهکارهای مناسب نیز با بینشی جامع انجام پذیرد. فلذا در این پژوهش نتیجه گرفته می شود با عدم وجود سیاست جنایی تقنینی مستقل و موثر بایستی در جهت کاهش و پیشگیری، به اتخاذ سیاست تقنینی کارآمد تن داد که بر این اساس در این پژوهش راهکارهایی ارائه خواهد شد. نوشتار حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه ای تدوین گردیده است.

**واژگان کلیدی:** خشونت خانگی، سیاست جنایی تقنینی، خانواده، حمایت از زنان،

پیشگیری

## ● مقدمه

زنان به عنوان نیمی از پیکره جامعه انسانی و جزء لاینفک جامعه بشری نیازمند دستیابی عادلانه و منطقی به حقوق انسانی خویش می باشند. هرنوع آسیب رساندن به زنان و تهدید سلامت آنها، آثار و عواقب نامطلوبی در ابعاد مختلف جسمانی، روانی، اقتصادی و جنسی نه تنها برای این قشر از جامعه، بلکه برای آحاد جامعه انسانی در پی خواهد داشت. اهمیت نقش زنان در جامعه در پرورش نسل های حال و آینده نمود پیدا می کند که منتهای آن تاثیر شگرفی در رشد و توسعه جامعه خواهد بود. بنابراین، خشونت علیه زنان یک نگرانی عمده بهداشت عمومی و حقوق بشری است که زوایای مختلف سلامت عمومی جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد به گونه ای که در موارد بسیاری خشونت علیه زنان در جوامع مختلف به دلایلی همچون فقدان حمایت قانونی کارآمد از آنها پنهان می ماند. ازسوی دیگر، خشونت علیه زنان قلمرو گسترده ای را در بر می گیرد که مهم ترین و شایع ترین مصداق آن خشونت در محیط خانواده (خشونت خانگی) است. این نوع خشونت تنها از سوی زوج رخ نمی دهد بلکه هریک از اقارب نسبی و سببی، فرزندان، برادران، ناپدری یا نامادری و یا فرزندخوانده می توانند مرتکب این رفتارها نسبت به زنان و دختران شوند.

زوایای گوناگون رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان در محیط خانواده، چرایی، چگونگی، پیامدها و اهمیت شناسایی این ابعاد همواره موضوع بحث در رشته های مختلف، از جمله حقوق، جامعه شناسی و روان شناسی بوده است. در همین راستا نیز محققین درصدد برآمده اند تا به صورت گسترده چرایی و چگونگی ارتکاب این رفتارها را در قالب طرح های پژوهشی مطالعه کنند.

مهم ترین این پژوهش ها در سال ۱۳۸۲ تحت عنوان "طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان در ۲۸ استان کشور" به همت محمود قاضی طباطبایی و تعدادی دیگر از صاحب نظران در دفتر امور اجتماعی وزارت کشور و مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری اجرا شد. یافته های این طرح ملی حاکی از آن است که ۶۶ درصد زنان ایرانی از ابتدای زندگی مشترک خود تا کنون، حداقل یک بار مورد خشونت قرار گرفته اند. با این حال، میزان و انواع خشونت خانگی در استان های مختلف کشور از تنوع و تفاوت های فاحش و معناداری برخوردار است (محمود قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۳). در کنار این پژوهش های عام و علت گرا، بررسی و مطالعه نهادهای حقوق کیفری، در راستای مساعدت برای اتخاذ سیاست های جنایی و کیفری مناسب در جهت پیشگیری، مقابله، مجازات و اصلاح و درمان مرتکبان

و قربانیان این رفتارها، بسیار کارآمده بوده و می‌تواند زوایای نوینی را در عرصه تقنین جلوه گر سازد. به همین سبب در این نوشتار در صدد برآمده ایم تا علل موثر بر ارتکاب این رفتارها و رویکرد قانون گذار را در قبال زنان قربانی خشونت در خانواده بررسی نموده و راهکارهای مناسبی را برای رفع خلأهای قانونی به منظور پیشگیری از وقوع آنها ارائه نماییم. بر همین اساس در این پژوهش ابتدا به ارائه تعریفی از مفاهیم کلیدی می‌پردازیم. سپس انواع خشونت به اختصار بررسی می‌گردد و دورنمایی از پیامدهای گوناگون این رفتارها ارائه خواهد شد. پس از این مباحث مقدماتی و بنیادین، عوامل قانونی موثر بر خشونت های خانگی علیه زنان از میان انواع دیگر عوامل موثر تبیین می‌گردد و در نهایت راهکارهای پیشگیرانه و تقنینی برای مرتفع ساختن خلأهای موجود در این زمینه پیشنهاد خواهد شد.

## ۱- مفاهیم و تعاریف

مطالعه و پژوهش در باب هر موضوع در گام نخست نیازمند وقوف و احاطه بر مفاهیم بنیادین و شناخت ابعاد معنایی واژگان کلیدی آن حوزه می‌باشد. در این قسمت معنای لغوی خشونت و تعریف اصطلاحی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱- مفهوم لغوی خشونت

خشونت در لغت به مفهوم پرخاشگری و سخت‌گیری آمده و با کلماتی همچون درشتی، زبری، خشم و تندخویی مترادف شده است (معین، ۱۳۸۱). در متون تخصصی خشونت معادل واژه *violence* به کار می‌رود که به معنای *عنف و بی‌حرمتی نیز کاربرد دارد (حق شناس و دیگران، فرهنگ معاصر هزاره: انگلیسی - فارسی، ۱۳۷۹)*. خشونت چنین تعریف شده است: *"خشونت استفاده غیرقانونی یا غیرمجاز از قدرت است که معمولاً با شدت، نفرت یا خشم همراه است"* (دهخدا، ۱۳۷۷).

### ۱-۲- تعریف اصطلاحی خشونت

صاحب نظران در حوزه های مختلف از جمله حقوق، جامعه شناسی و روان شناسی با توجه به زاویه دید خود تعاریف متعدد و متفاوتی از خشونت ارائه نموده اند (مولوردی، ۱۳۸۵). با این حال، برای ارائه تعریفی جامع و مانع از خشونت باید به نکاتی چند توجه داشت؛ نخست آن که اقدامات غیر عمدی رانمی توان اعمال خشونت آمیز دانست. دوم، در تحقق خشونت صرفاً اقدامات فیزیکی شرط

نیست و خشونت وسعتی بسیار گسترده تراز مصادیق فیزیکی و جسمی آن دارد. سوم این که، غیر قانونی بودن رفتاری را نمی توان از عناصر خشونت دانست و به همین سبب است که بحث از تقسیم خشونت ها به مجاز و غیرمجاز یا قانونی و غیرقانونی به میان کشیده می شود. در نهایت بایستی گفت که خشونت تنها ابراز خشم و غضب نبوده و ساحت وسیعی را در بر می گیرد زیرا اساس خشونت ضرر رساندن به دیگران است، خواه ضررهای مادی باشد یا معنوی، جسمی باشد یا روانی، بنابراین می تواند به هر شکلی انجام پذیرد.

در همین راستا آمده است که: "خشونت، رفتاری تعرض آمیز با دیگران به قصد آسیب رساندن جسمانی یا روانی یا تهدید به این امور است" (سالاری فر، ۱۳۸۹). با وجود این، به طور کلی می توان خشونت را بدین صورت تبیین نمود: "خشونت عبارت است از سوء استفاده از قدرت جهت اعمال فشار بر دیگران به هر وسیله ای اعم از ضربات و آسیب های جسمی، روحی و روانی، رفتار جنسی به عنف و نیز تهدید و توسل به قدرت با هدف اثبات و استحکام برتری و دست یابی به اهداف فردی که سبب ورود آسیب های واحد یا متعدد به قربانی می شود".

لازم به توضیح است که آنچه از مطالعات و پژوهش های انجام گرفته در جوامع مختلف به دست می آید بیان گر "نسبی بودن" مفهوم خشونت است زیرا این واژه در هر زمان و مکانی و تحت شرایط مختلف و از شخصی به شخص دیگر ماهیتی متفاوت دارد و مفهوم و مصادیقی خاص را در بر می گیرد اما "وجه اشتراک آن در این است که تعرضی است ناروا و ضد اجتماعی که نتیجه آن از بین بردن یا محدود ساختن تمام یا قسمتی از حقوق و آزادی های طرف مقابل است" (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۱۳).

### ۱-۳- تعریف خشونت علیه زنان

تاکنون تعاریف متنوع و متعددی از این عبارت به عمل آمده و بر اساس همین تعاریف نیز برداشت های متفاوتی در جوامع مختلف از خشونت علیه زنان و اشکال آن پدید آمده است. تا پیش از ورود سازمان جهانی بهداشت به مقوله خشونت علیه زنان، به ازای تعاریف و برداشت هایی که از خشونت علیه زنان وجود داشت، میزانی از خشونت ها مطرح شده و پیشگیری از آنها در قلمرو محدودی انجام می گرفت اما پس از ورود این سازمان و ارائه تعریفی روشن از خشونت علیه زنان و مصادیق آن، رویکرد جوامع نیز در همین راستا متحول شد.

اولین و جامع ترین تعریف رسمی ارائه شده در رابطه با این مفهوم در "اعلامیه رفع خشونت علیه زنان" قابل ملاحظه است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۴۸/۱۰۴، ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ اعلامیه مذکور را به تصویب رسانید. این اعلامیه دارای یک مقدمه و ۶ ماده بوده و نخستین سند حقوقی بین المللی است که به طور خاص مسئله مبارزه با خشونت علیه زنان را در عرصه جامعه جهانی مطرح می کند. ماده یک آن عبارت خشونت علیه زنان را تعریف می کند: "در این اعلامیه، خشونت علیه زنان عبارت است از هرگونه عمل خشونت آمیز مبتنی بر جنسیت - خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی - که به آسیب های جسمی، جنسی یا روانی یا تحمیل رنج به زنان منتهی شده یا احتمال رنج و آزار آنان را، از جمله تهدید به انجام این اعمال، محرومیت های اجباری یا خودسرانه - خواه در جامعه و خواه در زندگی خصوصی - موجب شود".

#### ۱-۴- تعریف خشونت علیه زنان در خانواده یا خشونت خانگی<sup>۱</sup>

خشونت خانوادگی یا خانگی خشونتی است که در محیط خصوصی خانه و خانواده رخ می دهد و عموماً میان افرادی اتفاق می افتد که به سبب ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده اند. به تعبیری ساده تر، "خشونت میان اعضاء خانواده یا اعضاء یک خانوار را خشونت خانگی می نامند" (مولوردی، ۱۳۸۵: ۹۵). با این اوصاف، هریک از اعضای خانواده ممکن است آماج خشونت خانگی واقع شوند اما غالباً به لحاظ نقش زنان در جامعه و دیگر عوامل موثر، از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و قانونی، آنها بیش از سایر اعضاء قربانی این خشونت ها می شوند.

#### ۲- مصادیق خشونت علیه زنان در خانواده

آنچه از آثار نویسندگان جامعه شناسی، روان شناسی، حقوق و نیز اسناد بین المللی و منطقه ای بر می آید آن است که خشونت علیه زنان - خواه در جامعه و خواه در خانواده - ساحت وسیعی دارد و به اشکال متنوع و متعدد جلوه گر می شود. نویسندگان بر اساس مبانی گوناگون، خشونت را به انواع مختلف تقسیم می کنند که این مبانی می توانند عامل خشونت، قربانی و کیفیت اعمال رفتارهای خشونت آمیز باشند. از همین روست که خشونت به *خشونت ساختاری*<sup>۲</sup> (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۱۰۰)

1. Domestic Violence.

۲. قوانین یا فرهنگ جامعه به گونه ای است که موجب آسیب روانی یا بدنی به افراد می شود و به تعبیری دیگر، همان خشونت اجتماعی است که در سطح نظام اجتماعی رخ می دهد.

خشونت فردی، خشونت آشکار و خشونت پنهان<sup>۱</sup> (همان)، خشونت هدفمند و خشونت بدون هدف، خشونت فیزیکی و روانی، خشونت خانوادگی و اجتماعی تقسیم بندی شده است. بنابراین، اعمال خشونت بر زنان در خانواده غالباً دارای یکی از جنبه های فیزیکی (جسمی)، روانی (عاطفی)، جنسی و اقتصادی می باشد که هر یک از این گونه ها نیز به اشکال متعدد بروز می کنند.

## ۱-۲- خشونت فیزیکی یا جسمی علیه زنان در خانواده

نتایج طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان حاکی از آن است که خشونت های فیزیکی با ۳۷/۸ درصد دومین رتبه را پس از خشونت های روانی از حیث شیوع به خود اختصاص داده است (صادقی فسایی: ۷). خشونت های فیزیکی از حیث آن که سبب رفتارها چه چیزی یا چه کسی باشد به دو نوع تقسیم می شوند (قاضی طباطبایی و دیگران، ۱۳۸۲):

### ۱-۱-۲- خشونت فیزیکی نوع اول

عبارت است از بروز رفتارهای پرخاشگرانه از طریق آسیب رساندن به اشیاء و لوازم منزل، رفتارهایی از قبیل شکستن ظروف، به هم ریختن سفره غذا، به هم کوبیدن در، گرفتن، بستن، زندانی کردن، اخراج از خانه، محروم کردن از غذا و عدم مواظبت به هنگام بیماری از مصادیق این قسم از خشونت های فیزیکی است.

### ۲-۱-۲- خشونت فیزیکی نوع دوم

رفتارهای خشونت آمیزی را گویند که مستقیماً به طرف مقابل یا مجنی علیه وارد شده و موجب وارد شدن صدمات جسمانی به وی می گردد. این نوع از خشونت فیزیکی شامل ضرب و شتم با درجه های گوناگون و شدت و ضعف، کشیدن لباس تا صدمات جدی تر مانند حمله با چاقو یا هر سلاح دیگر (اعم از سرد و گرم) و در نهایت قتل و نیز آسیب هایی نظیر قطع اندام تناسلی و جنسی زنان و دختران در این زمره قرار می گیرند. باید اشاره کرد که اعمال خشونت بر زنان در برهه های حساس زندگی آنان به ویژه در دوران بارداری می تواند آثار و تبعات وسیع تر و جدی تری را در پی داشته باشد به گونه ای که نتیجه ای چون مرگ مادر و جنین در برخی موارد دور از انتظار نیست. به عنوان مثال،

۱. قربانی تلقی می کند که باید محدوده رفتار و آزادی خود را کاهش دهد و این افزون بر محدودیتی است که ساختار جامعه بر فرد تحمیل می کند

غالب ترین نوع خشونت وارد بر زنان در دوران بارداری اعمال محدودیت‌ها در رژیم غذایی مادر است که سرانجامی جزیماری های گوارشی و سوء تغذیه مادر و جنین نخواهد داشت که گاه آسیب‌ها تا پایان زندگی مادران و فرزندان همراه آنان بوده و فراتر از آن به نسل‌های بعدی نیز منتقل خواهد شد. از سوی دیگر، اعمال خشونت‌های فیزیکی زمینه‌ساز تدریجی زنان و تن دادن به انواع خشونت‌ها را فراهم می‌کند؛ اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، با هر هدف و وسیله‌ای، علاوه بر تحلیل‌تمامیت جسمانی آنان، امکان اعمال قدرت و تسلط بر آنان را بیش از پیش تسهیل می‌کند و ناخواسته بستر اعمال خشونت علیه آنان را اعم از روانی، اقتصادی و جنسی نه تنها در محیط خانواده که در محیط جامعه نیز گسترده‌تر می‌سازد.

## ۲-۲- خشونت روانی یا عاطفی علیه زنان در خانواده

مراد از خشونت روانی علیه زنان هرگونه رفتار و گفتار خشونت‌آمیز است که شخصیت آنان را خدشه دار نموده و حیثیت، آبرو، شرافت و اعتماد به نفس زن را از بین ببرد. هرچند خشونت روانی به تناسب فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه و سعتهی متغیر دارد اما غالباً به شکل خشونت کلامی بروز پیدا می‌کند. اهمیت این نوع از رفتارهای خشونت‌آمیز از آنجا بیشتر می‌شود که نتایج طرح ملی بررسی پدیده خشونت خانگی علیه زنان با ۵۲/۷ درصد حکایت از آن دارد که خشونت‌های روانی شایع‌ترین نوع خشونت‌های خانگی در ایران هستند (همان). با این وجود، این قسم از خشونت به صورت اشکال گوناگون بر زنان تحمیل می‌گردد؛ داد و فریاد و رسیدن اختلافات به گوش همسایه‌ها و اطرافیان، تمسخر در جمع خانوادگی و دوستان یا در مکان‌های عمومی، تحقیر وضعیت جسمانی و ظاهری زن، دشنام و ناسزا، تهدید قربانی به استفاده از انواع دیگر خشونت، تحقیر از طریق انتقاد و سرزنش خانواده و دوستان زن، تهدید به طلاق یا ازدواج مجدد، مقایسه همسر، ایرادگیری از خانه‌داری و اصول تربیتی همسر، بی‌اعتنایی و منت‌گذاری در قبال انجام وظایف شرعی و قانونی، بدگمانی و بی‌اعتمادی، منع از اشتغال، تهدید به آزار و اذیت و یا کشتن همسر و فرزندان، انتساب القاب ناپسند و قهر طولانی مدت. البته این موارد فقط نمونه‌های تکراری و رایج خشونت روانی علیه زنان در خانواده است که در گذر زمان آشکار شده‌اند و این در حالی است که روز به روز بر گستره این مصادیق افزوده می‌شود که نمونه بارز آن را می‌توان در افزایش تعداد آزمایش‌های بکارت مشاهده کرد.



## ۲-۳- خشونت جنسی علیه زنان در خانواده

خشونت جنسی عبارت است از هرگونه رفتار و گفتار خشن یا غیر خشن جنسی یک فرد نسبت به دیگری علی رغم عدم رضایت طرف مقابل. مصادیق این رفتارها در محیط خانواده بآنچه در بیرون از این چارچوب رخ می دهد تا حدود زیادی متفاوت است. همچنین، میزان پنهان ماندن این رفتارها و نیز کم رنگ بودن قباح و البته جنایت بودن آنها در خانواده بسیار بیشتر از جامعه گریبانگیر زوجین می شود. مهم ترین و پنهان ترین نوع این خشونت، بد رفتاری جنسی زوج نسبت به همسر خود با برقراری روابط زناشویی نامتعارف یا بدون رضایت اوست. مجبور کردن زن به تماشای عکس ها و فیلم های مستهجن، مراعات نکردن بهداشت زناشویی و خودداری از به کارگیری وسایل پیشگیری از بارداری و سقط جنین اجباری، سوء استفاده جنسی از فرزندان دختر، خرید و فروش همسر و فرزندان دختر به منظور فحشا، اجبار به انجام عمل جنسی در مواعد نامناسب همانند زمان عادت ماهیانه و... از جمله رفتارهای جنسی خشونت آمیز در خانواده می باشند. در این میان برخی از مواد قانونی نیز این رفتارها را تداوم بخشیده اند که بارزترین آنها تجویز ازدواج در سن پایین تر از سن قانونی و حتی بلوغ شرعی است. این قبیل ازدواج ها بر سلامت هر دو گروه دختران و پسران تاثیرات منفی می گذارد اما تاثیرات سوء جنسی، جسمی و روانی آن بر دختران بیشتر و عمیق تر است. در سطح اروپا و جامعه جهانی نیز ازدواج کودکان یکی از اشکال ازدواج اجباری شمرده شده و مصداقی از نقض حقوق بشر و نمونه ای از خشونت جنسی شناخته می شود.

## ۲-۴- خشونت اقتصادی علیه زنان در خانواده

رفتارهایی را در بر می گیرد که در چارچوب خانواده علیه زنان اعمال می گردد و استقلال اقتصادی آنها را مورد خدشه قرار داده و آنها را از لحاظ مالی در مضیقه قرار می دهد. عدم پرداخت نفقه زن و برآورده نکردن نیازهای مالی وی در صورت داشتن درآمد کافی، کنترل دائمی مخارج زن، سوء استفاده مالی از زنان به شیوه های مختلف از جمله تصاحب درآمد ناشی از اشتغال آنان و به طور کلی استثمار و بهره کشی از زن به انحاء گوناگون، جلوگیری از استقلال مالی همسران و دخل و تصرف در اموال شخصی آنان نمونه هایی از رفتارهای خشونت آمیز اقتصادی نسبت به زنان می باشند. این نوع از خشونت حتی بعد از گسسته شدن روابط خانوادگی و طلاق نیز ادامه پیدا می کند؛ زنان با وجود تمام

حقوق مالی از جمله حقی که در مهریه و اجرت المثل دارند، برای پایان دادن به شرایط مشقت بار زندگی مشترک و دست یافتن به رضایت زوج برای طلاق از این حقوق چشم پوشی می‌کنند.

## ۲-۵- خشونت قانونی علیه زنان در خانواده

تکیه بر خلاءها، تناقض ها و گاه نص احکام و قوانین، زمینه رفتارهای خشونت آمیز خاصی را فراهم می‌سازد که از آنها به عنوان خشونت قانونی یاد می‌شود. مروری بر قوانین حقوقی و کیفری، مصادیق متعددی از این نوع خشونت را نمودار می‌سازد. امتناع از طلاق با وجود شرایط نامساعد و دشوار زندگی و تلاش زن برای متارکه، ممانعت از حضانت فرزندان توسط مادر بعد از سال‌هایی اندک از زمان تولد آنها، کسب اذن اجباری و خشونت آمیز از همسر اول برای ازدواج مجدد، فقدان حقی برای زوجه نسبت به سرمایه افزوده زندگی مشترک مگر به طور استثنایی و در صورت ذکر به عنوان شرط ضمن عقد، اختیار سنتی و قانونی زوج نسبت به حق اشتغال همسر خویش و نیز مجوز قانونی تعدد زوجات که علاوه بر به دنبال داشتن اعمال خشونت‌های روانی و جسمی بر همسر اول، سبب تقسیم منابع مالی شوهر و نیز تقسیم ارث وی میان آنها شده که خشونت اقتصادی را در بر خواهد داشت از نتایج گریزناپذیر مقررات قانونی در نظام حقوقی فعلی است.

## ۳- پیامدهای خشونت علیه زنان در خانواده

آثار و عواقب این رفتارها در عرصه خانواده نه تنها جسم و روان قربانیان را به شدت مورد حمله قرار می‌دهد بلکه بر جنبه‌های گوناگون زندگی سایر اعضای خانواده و به ویژه کودکان نیز تاثیر منفی و البته ملموس می‌گذارد. از سوی دیگر، زنان و کودکان به عنوان بخش‌هایی مهم از پیکره جامعه، صدمات متحمل شده را خواسته یا ناخواسته به اجتماع نیز تحمیل کرده و در نتیجه سایر اعضای جامعه را نیز در دام این آثار گرفتار می‌کنند.

## ۳-۱- پیامدهای جسمانی و فیزیکی

آنچه از ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان قابل مشاهده و ملموس است، عواقب و صدمات جسمانی این رفتارها است. مهم‌ترین این عواقب بر جسم و تن زنان عبارتند از: ابتلا به انواع بیماری‌های جنسی، آسیب‌های سطحی و عمقی، سقط جنین، عفونت‌های ناشی از آسیب‌های

جسمانی و به ویژه عفونت های جنسی، بیماری های مقاربتی مانند هیپاتیت و ایدز، ابتلا به اعتیاد به مشروبات الکلی، مواد مخدر و روان گردان، و فراتر از همه خودکشی و اقدام به قتل و به ویژه بروز پدیده شوهرکشی. در این میان، ازدواج کودکان آثار جسمانی شدیدتر و پایدارتری را بر جسم آنان باقی می‌گذارد زیرا تجربه باروری در سنین پایین احتمال آسیب دیدگی موقت و دائمی و حتی مرگ مادران را در پی خواهد داشت.

### ۳-۲- پیامدهای روانی

هر چند تاثیرات نامطلوب روانی رفتارهای خشونت آمیز شایع ترین پیامدهای خشونت های خانگی است اما بخش اعظم نادیده انگاشته شده نتایج این رفتارها نیز می باشد؛ زیرا تاثیرات روانی به تدریج ایجاد شده و زیر سایه پنهان کاری های قربانیان و مرتکبان مستور می ماند. پیامدهای روانی نه تنها دامن گیر زنان و قربانیان اصلی و مستقیم این رفتارها می شوند بلکه بر سایر اعضای خانواده و به ویژه کودکان نیز تحمیل می گردند. پیامدهای روانی نتیجه غیر مستقیم خشونت های جسمی، اقتصادی، اجتماعی و قانونی و اثر مستقیم خشونت های روانی است. غمگین بودن، افسردگی، استرس و اضطراب شدید، پر خاش گری، کاهش رشد و تعامل فکری و روانی، کاهش اعتماد به نفس و ناتوانی در تصمیم گیری، احساس شرمندگی مداوم، لکنت زبان، کاهش عزت نفس، اختلالات شخصیتی، آثار روانی شایع رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان است.

### ۳-۳- پیامدهای خانوادگی

این موضوع که اعمال خشونت علیه زنان در حریم خانواده آثار نامطلوبی در روابط سایر اعضای خانواده به جامی گذارد امری غیر قابل انکار است. کودکانی که شاهد خشونت های جنسی علیه مادران خود باشند به احتمال زیاد مورد آزار و سوء استفاده قرار می گیرند و سرانجام بزرگسالانی که با تجربه خشونت در خانواده بزرگ شده اند، معمولاً یا خود مرتکب خشونت خواهند شد یا مورد خشونت قرار خواهند گرفت زیرا بر اساس یافته های جرم شناسی در غالب موارد، به استثناء جرایمی که نیازمند نوآوری و ابتکار بزه کار باشند، یادگیری نقش بسیار فعالی در گرایش به بزه کاری و بزه دیدگی دارد (رحیمی نژاد، ۱۳۹۳: ۹۰). همچنین، تداوم این رفتارهای ناصواب در موارد چشم گیری به طلاق و متارکه منجر می شود که حاصلی جز نتایج سوء آن بر فرزندان و زندگی فردی و اجتماعی آنان نخواهد داشت که بارزترین نتیجه آن زدن

برچسب "فرزند طلاق" و تحمیل فشارهای روانی به آنها می باشد. انزوا طلبی و گوشه گیری، تضعیف اراده و قدرت تصمیم گیری خانواده و در نتیجه معد بودن شرایط از هم گسستن پایه های خانواده حتی در برابر جزئی ترین مسائل، افت تحصیلی فرزندان و فرار از مدرسه، یادگیری شیوه اعمال خشونت و قدرت طلبی با این ابزارها و به کارگیری آن در زندگی فردی و اجتماعی، گسترش تفکر انتقام گیری از شوهران و به طور کلی مردان، اختلالات رفتاری و عاطفی فرزندان از سایر پیامدهای خانوادگی ارتکاب رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان در خانواده است.

### ۳-۴- پیامدهای اجتماعی

افزایش بزه کاری و کشف شیوه های جدید ارتکاب جرم، گسترش احساس عدم امنیت در خانواده و جامعه، محرومیت زنان از حقوق اساسی و بنیادین بشری، فرار از منزل و ترک خانواده، گسترش تفکرهای بیمار در مورد سوء استفاده از موقعیت های زنان قربانی برای تحمیل بزه دیدگی های مکرر و متنوع از طریق قاچاق انسان و بهره کشی از زنان، ترویج فرهنگ خشونت گرا، کاهش بهره وری شغلی و اجتماعی، تحمیل پهنای گسترده ای از هزینه های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی، عدم مشارکت فراگیر و همه جانبه در زندگی اجتماعی و وقفه در توسعه اجتماعی و اقتصادی زنان و پیرو انجامه، مهم ترین پیامدهای اجتماعی رفتارهای خشونت آمیز است.

### ۴- عوامل قانونی موثر بر خشونت علیه زنان در خانواده

تصویر یک جامعه ایده آل با هر رفتاری که اندکی از خطوط قرمز و چارچوب های اساسی آن انحراف یابد تاریک تر خواهد شد. این انحرافات جزئی روز به روز دامنه گسترده تری را در می نوردند و سرانجام با عناوینی چون ناهنجاری های اخلاقی، اجتماعی و جرم نمود پیدا می کنند. ظهور هر یک از این ناهنجاری ها به صورت یک فرآیند و تحت تاثیر عوامل متعدد رخ می دهد که نقش هیچ یک در بروز این معضلات قابل چشم پوشی نیست چرا که رابطه علیت موجود، اجازه بی اعتنائی حتی به جزئی ترین علل را نمی دهد. خشونت علیه انسان ها و به ویژه اشکال متعدد خشونت علیه زنان نمونه ای بارز از این ناهنجاری ها است که سلسله ای از علل در بروز و ظهور آن دست به دست هم داده اند. بنابراین، برای پیشگیری از وقوع این رفتارها و حتی مقابله با ارتکاب آنها، به خصوص در عرصه خانواده، بایستی به هر یک از علل، اعم از علل اصلی و فرعی یا مستقیم و غیر مستقیم در زوایای گوناگون موضوع توجه داشت.

به طور کلی، گستره پهن‌آور عوامل خشونت علیه زنان در خانواده را باید با توجه به منشاء ظهور آنها در پنج گروه عوامل شخصی و فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی، قانونی و اقتصادی مورد مطالعه قرار داد که هر یک از این عناوین اصلی در بردارنده علل جزئی‌تر متعدد برای بروز رفتارهای خشونت آمیز در محیط خصوصی خانواده است. با توجه به هدف این مقاله و از آنجا که بررسی هر دسته از این عوامل نیازمند مطالعات تخصصی است، در این نوشتار تنها به بررسی عوامل قانونی می‌پردازیم.

#### ۴-۱- عوامل موثر در مقررات کیفری بر ایجاد خشونت علیه زنان در خانواده

مهم‌ترین عامل در این خصوص پذیرش قانونی خشونت خانگی به عنوان امری طبیعی و دادن صبغه کاملاً خصوصی به این رفتارها است. همچنین، قانون‌گذار ما در عرصه تقنین هنوز اقدام به ارائه تعریفی جامع و مانع از خشونت و انواع آن، از جمله خشونت خانگی ننموده و حتی در قوانینی نیز که در خصوص حمایت از زنان وضع کرده است بیشتر جنبه حمایتی را مورد توجه قرار داده که خود تنها در شرایطی خاص قابلیت استناد و اعمال دارد. مصداق بارز این ادعا ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات است که حمایت از زنان باردار را مورد توجه قرار می‌دهد و این در حالی است که اگر اعمال مذکور علیه زنی که فاقد شرایط مصرحه در قانون است ارتکاب یابد صرفاً می‌توان به مواد و احکام عام مراجعه نمود.

عدم جرم‌انگاری رفتارهایی خاص از مصادیق خشونت علیه زنان همانند ازدواج اجباری، پیروی از سنت‌های آسیب‌رسان چون ختنه زنان در نظام حقوقی ایران (علاوه بر موارد عام که فارغ از جنسیت جرم‌انگاری شده‌اند) سبب شده است تا مجازاتی نیز برای مرتکبین این رفتارها به رسمیت شناخته نشده باشد. بنابراین، ناگزیر خواهیم بود تا در صورت وجود سایر شرایط، آنها را در قالب عناوین مجرمانه پیش‌بینی شده در قانون گنجانده و مجازات مربوط را اعمال کنیم، مشروط بر آن که بتوانیم رابطه سببیت میان رفتارهای خشونت‌آمیز و نتایج حاصل را اثبات نماییم. این در حالی است که پنهان‌کاری و تاثیرات تدریجی و نه آنی این رفتارها احراز رابطه سببیت را کم‌رنگ و دشوارتر می‌سازد. حتی در خصوص خسارات معنوی وارد بر زنان قربانی خشونت خانگی نیز هیچ ماده قانونی به طور مستقل در حمایت ویژه از زنان در قوانین موضوعه ایران وجود ندارد هرچند که به طور عام طبق شرایط مواد ۱۴ و ۱۵ قانون جدید آیین دادرسی کیفری می‌توان در این خصوص اقدام نمود.

در باب پیشگیری از این آسیب اجتماعی نیز، قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۰ سیاست جنایی مستقلی برای جلوگیری از اعمال خشونت آمیز در خانواده اتخاذ کرده است.

در این میان، در مواردی نیز قانون گذار در راستای حمایت از زنان و ممانعت از اعمال خشونت علیه آنان در محیط خانواده اقدام به جرم انگاری برخی رفتارها نموده است که از جمله می توان به مواد ۴۹ و ۵۰ بخش مقررات کیفری قانون حمایت از خانواده اشاره داشت. مطابق این مواد در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است و مرد از ثبت آن تحت شرایط قانونی امتناع می کند، ضمن الزام به ثبت آن، به جزای نقدی و یا حبس محکوم می گردد. همچنین مردی که برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ازدواج نماید به ضمانت اجراهای کیفری تعیین شده محکوم خواهد شد و طبق تبصره ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده، هرگاه ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه در ارتکاب جرم موضوع ماده ۵۰ تاثیر مستقیم داشته باشند به حبس تعزیری درجه شش محکوم می گردند.

علاوه بر این موارد، طبق مواد ۵ و ۶ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیرمجاز می نمایند مصوب ۱۳۸۶، هرکس آثار مستهجن را به منظور سواستفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر وسیله تهدید قرار دهد یا از محل هایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می باشند مانند حمام ها و استخرها فیلم یا عکس تهیه یا تکثیر و توزیع نماید و یا اقدام به تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن نماید به ضمانت اجراهای حبس و شلاق و محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم می گردد.

در این موارد، رابطه زوجیت، مانع از اعمال مجازات مرتکب نمی گردد. با وجود این، موارد مورد اشاره و نیز رفتارهایی که به طور عام در قوانین کیفری جرم انگاری شده اند، مانند: حمایت از زنان باردار، ممنوعیت هرزنگاری، اشاعه فحشا، اسیدپاشی و قاچاق انسان، آدم ربایی و مزاحمت برای

۱. مطابق ماده ۳ قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب سال ۱۳۹۰، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم بایستی تشکیل گردد. بررسی و تصویب برنامه های کلان برای گسترش فرهنگ، ایجاد زمینه های مشارکت مردم و نهادهای دولتی و غیردولتی در امر پیشگیری از وقوع جرم و حمایت از آنها، بررسی و اتخاذ تصمیم جهت شناسایی زمینه ها و علل وقوع جرم، کاهش آسیب های اجتماعی و ارزیابی نتایج اجرای طرح ها و برنامه های ملی پیشگیری، سنجش و پیگیری عملکرد نهادهای مسئول در این زمینه و اتخاذ سیاست های مورد نیاز در جهت حمایت از بزه دیدگان و محکومان و خانواده آنان و اصلاح و جامعه پذیری محکومان و برخورداری آنان از زندگی شرافتمندانه از جمله وظایفی است که بر عهده این شورا نهاده شده است.

زنان در مکان های عمومی، کافی و موثر نمی باشند و تمامی جنبه های خشونت در محیط خانواده را با توجه به مصادیق و پیامدهای خشونت که در ابتدای مباحث گفته شد در برنمی گیرند. از سوی دیگر، در قانون آیین دادرسی کیفری تنها در دو ماده ۴۲ و ۶۶ در پیش بینی حضور و خدمت رسانی ضابطان آموزش دیده زن و حمایت و ارزش نهادن به سازمان های مردم نهاد که در زمینه حمایت از زنان تشکیل می شود، قدم هایی برداشته شده است. بنابراین، به نظر می رسد تلاش برای ایجاد دادرسی کیفری افتراقی مانند رسیدگی خاص و تخصصی و همچنین حمایت ویژه از سازمان های مردم نهاد در زمینه زنان و صدور قرارهای حمایتی و... که در بخش بعدی پیشنهادات ارایه می شود با توجه به اهمیت و آثار این نوع رفتارها نیازی مبرم می باشد. بر همین اساس، با توجه به موارد فوق الذکر دلایل و راهکارهایی که برای جرم انگاری و تعیین کیفر و نیز آیین دادرسی افتراقی بایستی با توجه به شرایط محیط خانواده برای رفع خلأها و حمایت ویژه از زنان اتخاذ گردد.

عامل قانونی دیگر در اعمال خشونت علیه زنان در خانواده وجود قوانین تبعیض آمیز در نظام قانون گذاری ما است. رویکردهای تبعیض آمیز به مردان این اجازه را می دهد تا در تعامل با همسر، زنان و دختران خانواده از هر شیوه ای استفاده کرده و زمینه خشونت علیه زنان را فراهم نمایند. نمونه بارز این احکام نصف بودن دیه جنایات وارده بر نفس و عضو زنان در مقایسه با مردان می باشد که در مواد ۵۵۰ و ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی به صراحت بدان اشاره شده است. هر چند قانون گذار در تبصره ماده ۵۵۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ اندکی از این چارچوب عدول کرده است.

نکته ظریفی که در تبیین دقیق این گفتار باید بدان توجه نمود این است که الزاماً نمی توان با قاطعیت مدعی شد که میان اعمال رفتارهای خشونت آمیز بر زنان و تفاوت دیه آنان با مردان رابطه علیت وجود دارد اما حقیقت آن است که چنین بینشی از سوی قانون گذار همواره با سوء برداشت هایی در میان آحاد جامعه همراه است که زمینه های تحقیر جایگاه حقوقی زنان را از دید عموم فراهم نموده و حتی با تلقین آن به زنان قدرت مقابله را از آنان سلب می کند. همچنین ماده ۶۳۰ ق.م.ا. در بخش تعزیرات نیز دفاع از ناموس را صرفاً برای مردان به رسمیت شناخته و معاف دانستن زن در خصوص قتل شوهر با زن اجنبی در یک فراس، دارای محمل قانونی نیست.

## ۴-۲- عوامل موثر در مقررات مدنی بر ایجاد خشونت علیه زنان در خانواده

علاوه بر عرصه حقوق کیفری، در قوانین و مقررات مدنی نیز با توجه به احکام و مواد مربوط به نکاح، طلاق، حضانت فرزندان و وظایف و حقوق نقش های زن خلأهایی مشاهده می شود. ریاست مرد بر خانواده، حق طلاق و حق حضانت فرزندان نمونه هایی از این موارد می باشند. اگرچه نباید تأثیر موازین فقهی بر قانون گذاری و نیز مصلحت اندیشی های مقنن در مورد زندگی مادر و فرزندان را نادیده گرفت اما آنچه که موجب انتقاد است، عدم توجه مقنن به شرایط مادر و امکان سوء استفاده از این مقررات توسط زوج و ایجاد خشونت علیه زنان است.

از سوی دیگر با امعان نظر از موضوعاتی که بایستی مطابق با موازین فقهی در مقررات قانونی درج شوند، مسائلی که حتی در شرع نیز در خصوص آنها ضابطه ای مشخص نشده است نیز در مقررات کنونی مصادیقی از خشونت اقتصادی و حتی روانی علیه زنان می باشد. به عنوان مثال قانون گذار اموال به دست آمده در طول زندگی مشترک را فقط به میزان یک چهارم یا یک هشتم با توجه به شرایط قانونی (در صورت بودن یا نبودن فرزند) متعلق به زوجه می داند و سایر موارد تحصیل شده از زندگی مشترک را در حکم مال بلا وارث قرار داده (هنگامی که مرد وارث دیگری جز همسرش نداشته باشد) و زن را بدون دلیل منطقی از آن محروم نموده است. به طور کلی به نظر می رسد علاوه بر این که مقنن در تطبیق احکام الهی با مقتضیات زمان و مکان چندان موفق عمل نکرده است، در سایر موضوعات مستحدثه نیز در وضع قانون به گونه ای عمل نموده که امکان سوء استفاده و سودجویی و نیز اعمال خشونت علیه زنان را فراهم می آورد.

## ۴-۳- سایر عوامل قانونی موثر بر ایجاد خشونت علیه زنان در خانواده

در کنار تمام ابهامات و تناقض های موجود در قوانین، عدم اجرا و یا ضعف اجرای قوانین خود معضل دیگری است که باعث ایجاد بزه دیدگی ثانویه از سوی نهادهای عدالت کیفری می شود. عدم رعایت چارچوب های اخلاقی و قانونی، عدم حمایت قانونی، اجتماعی و دولتی از زنان قربانی خشونت، فقدان یک نظام آماری مناسب جهت ثبت اطلاعات قربانیان در قوه قضاییه، عدم تطابق قوانین با اصول قانون اساسی از جمله اصل عدم تبعیض جنسیتی در برخورداری از حقوق و کرامت انسانی، اطاله بیش از اندازه جریان رسیدگی به شکایات خشونت علیه زنان به ویژه خشونت های جسمی که موجب از بین رفتن



شواهد و مدارک اثباتی می‌گردد و حتی آنان را در معرض خشونت‌های دیرپای و مستمر قرار می‌دهد، سستی و عدم تحرک دولت‌ها و مقامات ذی‌ربط و نیز پایین بودن سطح سواد حقوقی در میان زنان، نبود داده‌های معتبر و گستردگی معضل یاد شده و عدم تمایل بسیاری از دولت‌مردان و سیاست‌گذاران به ورود به مسائل مطرح در این زمینه از جمله عوامل متعددی هستند که از شکل‌گیری برنامه‌های موثر و قوی، به ویژه در حیطه جلوگیری از وقوع و تجدید حیات چنین رفتارهایی در خانواده‌ها، ممانعت به عمل می‌آورند. همچنین، پنهان کردن آمار این خشونت‌ها و رویه‌های قضایی ظاهری و سطحی و دادن عنوانی غیر از خشونت به این قبیل از رفتارها عواملی در ضعف آگاهی عمومی نسبت به این آسیب اجتماعی است.

## ۵- راهکارهای پیشگیرانه و تقنینی برای مقابله با خشونت خانگی

ارائه راهکارهای پیشگیرانه مبتنی بر طی کردن فرآیندی است که مشتمل بر چند مرحله می‌باشد. مرحله اول آگاهی نسبت به وجود مسئله، کنار گذاشتن توسل به توجیه‌های غیر منطقی و یا انکار مشکل است. مرحله بعدی تعریف و تبیین موضوع مورد بحث است. سومین مرحله درک مسئله می‌باشد؛ بدین معنا که بایستی با انجام تحقیقات و پژوهش‌های میدانی وسیع به تعریفی جامع و البته مشخص از مسئله و ابعاد وجودی آن (خشونت خانگی علیه زنان) دست یافت. در مرحله بعدی است که بایستی بر تشخیص معیارها و اجرای برنامه‌های پیشگیری به ویژه پیشگیری اولیه و ثانویه تمرکز نمود و در راستای کاهش آثار همه‌جانبه مسئله مورد نظر، اقدامات لازم و موثر را به عمل آورد. پس از سپری نمودن این مراحل، بایستی به اجرای برنامه‌های هماهنگ در زمینه پیشگیری، مبارزه یا مقابله و اصلاح و درمان اقدام کرد.

این برنامه‌ها طیفی بسیار وسیع را از آگاهی بخشی به آحاد جامعه تا اقدامات قانونی در بر می‌گیرد. اهمیت اجرای برنامه‌های پیشگیرانه از آنجا هویدا است که *اولاً از ارتکاب جرم و هزینه‌های ناشی از آن جلوگیری به عمل می‌آورد، ثانیاً سلامت و امنیت جامعه را تا سطح مطلوبی ارتقاء می‌دهد* (محمدنسل، ۱۳۸۹: ۳۳۴-۳۱۷) و ثالثاً موجب حفظ قداست و حرمت خانواده می‌گردد. از سوی دیگر نکته‌ای که بایستی در ارتباط با این پدیده به آن توجه داشت این می‌باشد که سیاست پیشگیرانه و حتی سیاست مقابله‌ای مناسب می‌بایست بر دو رکن مهم یعنی جلوگیری از اعمال خشونت و پیشگیری از پذیرش خشونت توسط زنان استوار باشد.

## ۵-۱- راهکارهای پیشگیرانه

اصلی ترین مسئله در عرصه پیشگیری "آگاهی بخشی و آموزش" می باشد. آگاهی بخشی در این زمینه از جمله در مورد مصادیق، شیوه ها، علل و پیامدهای این رفتارها، بایستی به صورت موازی نسبت به دو گروه از افراد انجام پذیرد. آگاهی بخشی به مقامات و مسئولان ذی ربط و سپس آموزش و آگاهی بخشی به عموم مردم به ویژه زنان و دختران. از جمله راهکارهایی که باید برای آگاهی مسئولین به کار بست عبارتند از:

۱- آموزش حساس سازی متخصصین بهداشتی و پلیس و تهیه دستورالعمل ها و نیز برگزاری دوره های آموزشی برای شناخت نحوه مواجهه با قربانیان خشونت خانگی (برای مطالعه تفصیلی بنگرید به: احمدی، سلیمان اختیاری: صص ۲۵۷-۲۳۴)

۲- ایجاد پایگاه های داده بین سازمانی که قوه قضاییه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و پزشکی قانونی نهاد های اصلی اجرای این راهکار می باشند.

۳- برگزاری همایش های داخلی و بین المللی تخصصی و تبادل اطلاعات میان ارگان ها و سازمان های داخلی از جمله نهادهای مدنی، قضایی، بهداشتی، پزشکی قانونی و سایر جوامع.

۴- آگاهی بخشی به مقامات قضایی، بهداشتی و پلیس نسبت به این که مداخلات به موقع و صحیح آنها در خشونت های خانگی در چارچوب اخلاقی و قانونی، ورود به حریم خصوصی خانواده نیست بلکه انجام وظیفه ای برای نجات و مساعدت به زنان قربانی خشونت است و ...

از سوی دیگر برای ارائه آموزش های ضروری به عامه مردم راهکارهایی از قبیل ذیل پیشنهاد می گردد:

۱- تشکیل گروه های حمایتی به نحوی که زنان به راحتی بتوانند تجربیات، نگرانی ها و راهکارهای خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند به ویژه آن که از هر دو گروه قربانیان خشونت و زنانی که مورد خشونت واقع نشده اند در این مباحثات نظرخواهی شود. در واقع، این روش به عنوان شیوه ای موثر برای مساعدت به زنان در جهت پایان دادن به مشکلات مربوط به ارتباطات خشن خانوادگی یا نحوه سازش با آن مطرح می گردد.

۲- برنامه های آموزشی مهارت های زندگی، حل مسئله و مهارت های ارتباطی از دوران کودکی تا بزرگسالی و نیز در دوران زندگی مشترک به صورت مداوم.

۳- آموزش نقش ها، حقوق و وظایف زوجین در خانواده و نیز اقسام و مصادیق خشونت به زوجین پیش از ازدواج.

۴- اجرای برنامه های آموزشی و مشاوره های حقوقی به زنان قربانی خشونت برای تعقیب و محاکمه مرتکب.

۵- یادآوری و تکرار این حقیقت که خشونت رفتاری غلط و غیر اخلاقی و ابزاری نامناسب برای اثبات قدرت است.

علاوه بر این موارد از دیگر راهکارهای پیشگیرانه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می توان به مواردی چند، اشاره کرد:

۱- تشکیل کمیته های ملی و استانی منع خشونت علیه زنان زیر نظر بالاترین مقام اجرایی کشور و الزام نهادهای دولتی به ایجاد واحدهای منع خشونت درون سازمان ها و ادارات دولتی و اختصاص بودجه مناسب به آنها در برنامه بودجه.

۲- الزام شهرداری ها و دهیاری ها به ایجاد خانه های امن در سراسر کشور.

۳- تسهیل زمینه ای گزارش و اطلاع رسانی خشونت های خانگی علیه زنان علاوه بر خط تلفن ویژه سازمان بهزیستی.

۴- تغییر بنیادین در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، ارزش ها و هنجارهای ناصواب.

۵- برخورداری از حمایت های قانونی مناسب و کارآمد برای ممانعت از بهره کشی و تجارت زنان و دختران و جلوگیری از به کارگیری آنها در مشاغل نامشروع، غیرقانونی و نامتعارف.

۶- اختصاص بودجه کافی برای حمایت، اصلاح و درمان قربانیان بالقوه و بالفعل.

۷- تشکیل پرونده و تعهد قانونی عامل خشونت به موازات انجام اقدامات حمایتی از زنان مانند ایجاد پناهگاه ها و خانه های امن با حفظ هویت و اسرار پناهندگان و تامین اجتماعی زنان قربانی خشونت و در معرض خشونت.

۸- اعطا مجوز قانونی به حقوق دانان، روان شناسان، جامعه شناسان و مشاوران به منظور کنترل حمایتی خانواده ها برای مدت معین بادر نظر گرفتن مقررات قانونی و حفظ حریم خصوصی.

۹- ایجاد گروه های تخصصی پلیس که بر موضوع خشونت علیه زنان تمرکز اختصاصی دارند و افزایش امکان دسترسی به پلیس.

## ۵-۲- راهکارهای تقنینی

در ارائه راهکارهای تقنینی و در جهت انجام اقدامات مناسب و جامع باید در سه حوزه متفاوت جرم‌انگاری، تعیین کیفر و آیین دادرسی کیفری تدابیری را اتخاذ نمود تا بتوان به نتیجه مطلوب و فراگیر دست یافت.

### ۵-۲-۱- جرم‌انگاری

آنچه که ورود حقوق کیفری به این بخش از حریم خصوصی را توجیه می‌کند انجام وظیفه اصلی حقوق کیفری است که عبارتند از: *برقراری نظم و تلاش برای تداوم انتظام در جامعه و حفظ حقوق و آزادی های افراد در برابر تجاوز دیگران* (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۴۴). در همین راستا باید اقدام به جرم‌انگاری آن قبیل رفتارها نمود که اگر جرم‌انگاری نشوند، ارتکاب آنها، پیامدهای سهمگین و غیرقابل جبرانی به اعضاء خانواده و جامعه تحمیل خواهد کرد. باید توجه داشت که با عنایت به جایگاه بزه دیده، شرایط و مقتضیات اجتماعی و آثار و پیامدهای ناشی از این رفتارها باید به دنبال اعمال جرم‌انگاری افتراقی بود و علاوه بر رعایت معیارهای عام در جرم‌انگاری (صراحت و شفافیت، کارایی و سودمندی، قابل اجرا بودن، اعمال مصالح فردی و جمعی و رعایت اصل ضرورت) به معیارها و لوازم خاص این حوزه، یعنی اقدامات لازم برای حفظ حقوق زنان، مساعدت برای افزایش ضریب امنیت نهاد خانواده و اعضاء آن و نیز ماهیت این نهاد به عنوان مأمن عشق و صمیمیت توجه کرد (برای مطالعه تفصیلی بنگرید به: اسدی، ۱۳۹۲).

از دیگر سوی، در تعیین کیفر، بهتر آن است که مجازات‌های افتراقی و متناسب با شدت جرم، وضعیت و شخصیت بزه‌کار و میزان آسیب‌پذیری بزه‌دیده تعیین شوند که خود مستلزم آن است که مجازات‌هایی با کم‌ترین تأثیر منفی بر خانواده ضمن دارا بودن بیشترین میزان بازدارندگی و اصلاح اعمال شوند و صبغه انتقام‌جویانه نیز نداشته باشند. علاوه بر این موارد، باید با اتخاذ آیین دادرسی افتراقی و توجه ویژه برای به کارگیری عدالت ترمیمی با استفاده از شیوه‌های متنوع و متعدد همانند میانجی‌گری بستر ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز را تحدید نمود تا بدین وسیله از آثار سرکوب‌گرایانه نهادهای حقوق کیفری، با توجه به قداست و حرمت این حوزه، بیش از پیش کاسته شود.

بر همین اساس پیشنهادات ذیل مطرح می‌گردد:

۱- وضع قانونی جامع و مانع با ارائه تعریفی جامع و شفاف از خشونت علیه زنان و اقسام آن از جمله خشونت در خانواده و مصادیق آن.

۲- لزوم جرم‌انگاری مستقل ضرب و جرح، تهدید، توهین و افترا به زنان از سوی اعضاء خانواده، خرید و فروش زنان و دختران به منظور انجام اعمال منافی عفت و یا هر انگیزه دیگر، جرم‌انگاری اجبار و تحریک زنان برای خودکشی و یا استعمال مواد مخدر، فحشا و دیگر جرایمی که آسیب‌های جسمی و روانی بر آنها وارد می‌کند، ازدواج اجباری و زیر ۱۸ سال، حاملگی اجباری به هر نحو اعم از کثرت بارداری برخلاف موازین پزشکی، برقراری رابطه با زوجه زیر ۱۸ سال در صورتی که طبق نظریه پزشکی به حال وی مضر باشد، بهره‌کشی جنسی و انواع فعالیت تجاری به اعتبار جنسیت زنان، هرگونه محروم کردن زنان از حقوق مالی قانونی به صورت کلی یا جزئی، اعمال رسوم آسیب‌رسان از جمله ختنه زنان.

### ۵-۲-۲- تعیین کیفر

استفاده از ضمانت اجرای مناسب کیفری که بیشترین تاثیر بازدارندگی و اصلاحی را داشته باشد؛ مانند اقامت اجباری در محل معین به دور از خانواده، منع از اشتغال به شغل معین که موجب ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز مجدد علیه زنان در محیط خانواده می‌گردد، الزام به تحصیل، الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین، الزام به درمان بیماری یا ترک اعتیاد، الزام به گذراندن دوره‌های خاص یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی مذهبی یا ورزشی و استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس مثل جزای نقدی و خدمات عمومی رایگان.

### ۵-۲-۳- آیین دادرسی کیفری

۱- رسیدگی به جرایم ارتكابی خشونت علیه زنان به ویژه در محیط خانواده به صورت فوری و خارج از نوبت در دادسرا و دادگاه و رسیدگی به جرایم ارتكابی در محیط خانواده در دادگاه تخصصی خانواده در شعب ویژه کیفری.

۲- معافیت زنان بزه دیده تهی دست از پرداخت هزینه‌های دادرسی مربوط به شکایت کیفری و دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم.

- ۳- استفاده از نهادهای میانجی‌گری، ترک و تعلیق تعقیب و بایگانی پرونده در فرآیند دادرسی درجرائم کم اهمیت .
- ۴- دادن اختیار لازم و ضروری به بازپرس، دادستان، ضابطان دادگستری برای انجام اقدامات موقت ضروری پس از وقوع جرم در رفتارهای خشونت آمیز خانگی به ویژه در موارد تکرار و یا شدت اعمال ارتكابی همانند جدا کردن زن و شوهر.
- ۵- حمایت از زنان بزه دیده در فرآیند دادرسی به طرق مختلف همانند انتخاب قیّم اتفافی، مشاوره حقوقی، انتخاب وکیل و... .
- ۶- تقویت سازمان های مردم نهاد و انجمن ها وتشکل های مدنی و ارزش گذاری بیشتر بر آنها به گونه ای که علاوه بر دادن اختیار اعلام جرم، امکان شکایت و پیگیری آن، ارائه دلیل حضور در جلسات و حق اعتراض به آراء در خشونت های خانگی علیه زنان فراهم گردد.
- ۷- صدور قرارهای حمایتی از سوی مقامات قضایی با توجه به اهمیت و آثار جرم ارتكابی در جرائم مشهود مانند معرفی بزه دیده به مراکز درمانی، حقوقی و یا خانه های امن یا صدور دستور موقت خروج بزه کار از محل مشترک زندگی.

## «رهیافت»

مطالعات انجام گرفته در خصوص میزان و مصادیق خشونت علیه زنان در خانواده حکایت از شیوع این رفتارها دارد. این رواج ناموزون می‌تواند آسیب‌های گاه جبران‌ناپذیر و البته پایدار نسبت به زنان و سایر آحاد جامعه در پی داشته باشد. پیشگیری از بروز این اعمال از یک سو و مبارزه با آن از سوی دیگر مستلزم توجه به زوایای گوناگون موضوع می‌باشد که مطالعه در هر یک از این موارد نیازمند همت صاحب نظران و متخصصین حوزه‌های مربوطه است. بررسی قانونی مسئله نیز یکی از ابعادی است که خود باید در حوزه‌های مختلف کیفری، مدنی و آیین دادرسی انجام پذیرد. در این میان بررسی سیاست جنایی و کیفری ایران و رویکردهای اتخاذی در این زمینه، به ویژه برای پیشگیری از بزه دیدگی اولیه و ثانویه بسیار موثر خواهد بود.

آنچه از بررسی قوانین کیفری و حقوقی برمی‌آید نشان دهنده وجود شکاف‌هایی گاه عمیق در عرصه جرم‌انگاری، تعیین کیفر، آیین دادرسی، نهادهای پیشگیری و عدم توجه به مقتضیات زمانی و مکانی و در نتیجه عدم بازنگری در قوانین موضوعه به تناسب توسعه‌های فرهنگی و فکری می‌باشد. در این خصوص، گاه فقدان بنیان‌های منطقی و عقلایی برای مقررهای قانونی الفاکر تفکراتی نه چندان مطلوب در مورد جایگاه و منزلت زنان در خانواده و جامعه بوده و خواسته یا ناخواسته زمینه‌های فکری و روانی ارتکاب رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به زنان و دختران را حتی در حریم مقدس خانواده ایجاد می‌کند. بنابراین، برای کاهش بسترهای معد ارتکاب این رفتارها باید در گام اول بینش قانون‌گذار را با ارائه دلایل منطقی تغییر داده و سپس به ارائه راهکارهای معقول، مناسب (با توجه به شرایط موجود از جمله بودجه قابل اعمال موجود، عرف حاکم و...) و به دور از آرمان‌گرایی که قابلیت عملیاتی کردن را داشته باشند، اقدام نمود.

به طور کلی، اتخاذ سیاست کیفری افتراقی و مستقل در کنار توسل به رویکرد جنایی افتراقی و استقلالی و توجه به نهادهای عدالت‌ترمیمی، بسیاری از خلأهای موجود را پوشش داده و مسائل را حل می‌کند. بنابراین، لازم است تا اقداماتی به کار گرفته شوند و پایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی لازم برای کاهش انگیزه‌های مجرمانه و منجر به خشونت تقویت گردند. سپس، برای جرم‌انگاری برخی رفتارهای خاص در کنار جرم‌انگاری‌های عام و نیز جرم‌انگاری تفکیکی برخی رفتارها با انتخاب مجازات‌های مناسب، اقدامات لازم توسط قوه مقننه انجام پذیرد. در کنار این

رویکردها، پیش‌بینی و عملیاتی کردن آیین دادرسی افتراقی نیز آثار سوء ناشی از اعمال این رفتارها را تسکین داده و اصلاح و درمان مرتکبان و بزه‌دیدگان را نیز سرعت بخشیده و موثرتر می‌نماید. بنابراین، برای نیل به تمام این اهداف و پوشاندن جامه عمل به این راهکارها بهترین شیوه تصویب قانونی مجزا، جامع و مانع است.



## منابع:

کتاب فارسی

- اسدی، لیلا سادات، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری خانواده (بودها و بایدها)، تهران، میزان، چاپ اول.

- جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان (مولوردی، شهیندخت، همکاران)، (۱۳۸۵)، مقابله با خشونت علیه زنان در کشورهای اسلامی، تهران، نشر حقوق دانان با همکاری دانش نگار، چاپ اول.

- حق شناس، علی محمد؛ سامعی، حسین و انتخابی، نرگس، (۱۳۸۹)، فرهنگ معاصر هزاره: انگلیسی-فارسی (جلد یک)، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ دهم.

- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا (جلد ۶)، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

- رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۳۹۳)، جرم شناسی، تبریز، فروزش، چاپ سوم.

- رنجبران، قاسم؛ دبیرزاده، الهه، (۱۳۹۰)، خشونت بر زنان در حقوق کیفری ایران و اسناد بین المللی، تهران، انتشارات فرهنگ شناسی، چاپ اول.

- سالاری فر، محمدرضا، (بهار ۱۳۸۹)، خشونت خانگی علیه زنان: بررسی؛ علل و درمان با نگرش به منابع اسلامی، قم، مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران)، چاپ اول.

- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۷۸)، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ سوم.

- معین، محمد، (۱۳۸۱)، فرهنگ معین، جلد اول.

- مولوردی، شهیندخت، (۱۳۸۵)، کالبد شکافی خشونت علیه زنان، تهران، نشر حقوق دانان با همکاری دانش نگار، چاپ اول.

پایان نامه

- برخوردار مهنی، سیما، (۱۳۸۹)، حمایت از زنان بزه دیده خشونت های خانگی، مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

- عظیم زاده، شادی، (۱۳۸۴)، حمایت کیفری از زنان در مقابل خشونت (مقایسه حقوق ایران و آمریکا)، مقطع کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

#### مقالات

- احمدی، بتول و سلیمان اختیاری، یلدا، اثربخشی مداخلات آموزش سلامت برای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.

- اسدی، لیلاسادات، (بهار ۱۳۸۳)، مهار خشونت های خانگی از قانون تا اخلاق، کتاب زنان، تهران (شورای فرهنگی و اجتماعی زنان)، شماره ۲۳.

- سالاری فر، محمدرضا، (بهار ۱۳۸۸)، تبیین علل و زمینه های خشونت خانگی، فصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان شناسی، سال سوم، شماره ۴.

- صادقی فسایی، سهیلا، (بهار ۱۳۸۹)، خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه کیفی)، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، شماره ۱.

- صادقی فسایی، سهیلا، (۱۳۹۱)، فرهنگ خشونت خانگی علیه زنان با تاکید بر نقش پلیس در کاهش آن، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات.

- کیان ارثی و دیگران، (بهمن ۱۳۹۵)، پیش نویس قانون منع خشونت علیه زنان، پایگاه تحلیلی-خبری خانواده و زنان.

- لیاقت، غلامعلی، (بهار ۱۳۸۴)، خشونت علیه زنان در خانواده (تحقیقی در تهران)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، شماره اول.

- محمدنسل، غلامرضا، (بهار ۱۳۸۹)، فرآیند پیشگیری از جرم، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱.